

### انتقام گیری با اعلامیه تر حیم

یکی از انتقام گیری های عجیب و غریب ها سال ها قبل در تهران اتفاق افتاد. وقتی جوانی جواب «نه» از خانواده دختر موردعلاقه اش شنید، برای تلافی کار آنها اعلامیه تر حیم دخترشان را منتشر کرد و به در و دیوار محل چسباند. در این اعلامیه از همه دوستان و همسایه ها خواسته شده بود به منزل متوفی مراجعه کنند؛ اقدامی که باعث دستگیری پسر جوان شد.



### انتقام از پدر دختر موردعلاقه

بسر جوان وقتی با پاسخ منفی از سوی پدر دختر موردعلاقه اش مواجه شد و شکست عشقی خورد، راهی عجیب برای انتقام از این مرد در پیش گرفت. او روزی در خیابانی خلوت پدر دختر موردعلاقه اش را گیر انداخت و گوشه موبایلش را زورگیری کرد و در ادامه گفت: این نتیجه پاسخ منفی به عشق من و خراب کردن یک زندگی است. تو باعث شدی من درد شوم.



### انتقام گیری مجازی

چندی قبل پسری جوان بعد از شنیدن جواب رد از دختر موردعلاقه اش صفحه های جعلی به نام او در شبکه های اجتماعی درست کرد و در آن عکس های خصوصی دختری را که روزی عاشقش بود منتشر کرد؛ اقدامی که باعث شد پای پلیس فتا به میان کشیده و جوان انتقامجو دستگیر شود.



### تخلیه فاضلاب جلوی خانه دختر جوان

پسر جوان که شغش تخلیه چاه بود وقتی به خواستگاری دختری رفت و جواب منفی شنید و از طرف او مسخره شد، برای تلافی کردن نقشه عجیبی کشید. او یک شب با تاکتر برز از فاضلاب جلوی خانه پدری دختر موردعلاقه اش رفت و فاضلاب را جلوی در خانه آنها تخلیه و با درد سری که ایجاد کرد انتقام سخنی گرفت.



### عشق پیری گر بجنبید...

جنایت های عاشقانه سن و سال نمی شناسد و فقط مختص جوانان نیست و ممکن است از افراد سن و سال دار هم سر بزنند. نمونه آن مرد میانسالی بود که از زنی بیوه خواستگاری کرد اما وقتی او جواب منفی داد نقشه قتلش را طراحی و اجرا کرد. رسیدگی به این پرونده نیز با اعلام مفقودی زن میانسال شروع شد. پس از مرگ شوهرش، به تنهایی از فرزندان مراقبت می کرد اما از حدود ۲سال پیش مردی به خواستگاری مریم رفته بود و زن میانسال که هدفی جز بزرگ کردن فرزندان نداشت، به او جواب منفی داده بود. خواستگار او یکی از اقوامشان بود که متاهل بود. برای همین مریم اصلا نمی خواست تن به این ازدواج بدهد و از طرفی به خاطر فرزندان حاضر نبود با هیچ فرد دیگری ازدواج کند. با بررسی این اطلاعات مأموران سراغ مرد ۶۵ساله رفتند و او دستگیر کردند. او که چاره ای جز بیان حقیقت نداشت به قتل مریم اعتراف کرد و گفت: چند روز قبل مقابل خانه مریم رفتم. می خواستم بار دیگر پیشنهاد ازدواج را مطرح کنم و به همین علت آنقدر منتظر ماندم تا او از خانه خارج شد. زمانی که او را دیدم، با خواهش خواستم سوار ماشین من بشود. مریم برای اینکه کسی متوجه ماجرا نشود، از روی ناچاری پذیرفت و سوار شد. اما به محض سوار شدن به ماشین با لحنی تند به من پاسخ منفی داد و گفت که حاضر به ازدواج با هیچ کس نیست و تنها قصد بزرگ کردن فرزندان را دارد. من اصرار کردم اما او جواب منفی داد و چون عصبانی شده بودم با او در گیر شدم و بعد با روسری وی را به قتل رساندم. پس از آن هم جسدش را به ویلایم در منطقه فشم بردم و در گوشه ای دفن کردم.



### پرونده ای درباره خواستگار هایی که بعد از شنیدن جواب منفی دست به جنایت زدند

# از عشق تا نفرت

### انتقام گیری با نانچیکو

«وقتی شنیدم که دیگر حاضر نیست با من ازدواج کند، نقشه قتل کشیدم و با نانچیکو او را کشتم.» این اعترافات خواستگار جنایتکاری است که وقتی از سوی دختر موردعلاقه اش پاسخ منفی شنید به زندگی او پایان داد. چندی قبل مردی به اداره پلیس پاکدشت رفت و گفت دخترش ناپدید شده است. او گفت دخترش عصر همان روز به بهانه دیدن دوستش از خانه خارج شده و دیگر برگشته است. پس از آن نیز هر چه با موبایلش تماس گرفته کسی پاسخگو نبوده و برای همین احتمال می دهد که اتفاقی برایش افتاده باشد. با این شکایت، جست و جو برای پیدا کردن دختر گذشته شروع شد تا اینکه فردای آن روز پدر وی با اداره پلیس تماس گرفت و این بار عنوان کرد جوانی که خواستگار دخترش بوده با او تماس گرفته و اعلام کرده که دخترش را کشته و جسدش را پشت دیوار ساختمان خودشان رها کرده است. پس از آن تیمی از کارآگاهان راهی محل حادثه که

### جنایت عاشقانه در پل مدیریت

یکی از جنجالی ترین انتقام گیری های عاشقانه جنایت در پل مدیریت بود. در جریان این جنایت جوانی به نام کوشا به هم دانشگاهی اش مهسا علاقه مند شده بود اما وقتی با پاسخ منفی او برای ازدواج روبه رو شد او را به قتل رساند. آن روز مهسا به همراه یکی از دوستانش از دانشگاه خارج شد در حالی که نمی دانست دقیقی بعد قربانی نقشه شوم کوشا هم دانشگاهی و خواستگار کینه جویش خواهد شد. کوشا در حالی که نقاب به صورت داشت روی پل عابر جنب پل مدیریت ناگهان به سمت مهسا حمله کرد و دیوانه وار با چاقو دختر جوان را آماج ضربات مرگبار خود قرار داد. کوشا پس از آنکه از مرگ مهسا مطمئن شد با به فرار گذاشت اما چند قدم بیشتر نتوانست فرار کند



### شلیک مرگبار



برخی جانیان نقشه های پیچیده ای برای انتقام گیری طراحی می کنند تا اسرار جنایتی که مرتکب شده اند برای همیشه سر به مهر بماند، غافل از اینکه هر قدر هم که نقشه شان دقیق باشد بالاخره روزی دستشان رو می شود؛ مثل جوانی که با نقشه ای دقیق دختر موردعلاقه اش را با شلیک گلوله به قتل رساند اما تحقیقات علمی پلیس او را به دام انداخت.

چندی قبل مرد سالخورده ای سراسیمه و وحشت زده، پیکر نیمه جان دخترش را به یکی از بیمارستان های اصفهان برد. دختر جوان هدف اصابت ساچمه های تفنگ شکاری قرار گرفته بود و ساعتی بعد روی تخت بیمارستان جان باخت. پدر مقتول درباره قتل دخترش به پلیس گفت: دخترم در اتاقش بود که یک دفعه صدای شکستن شیشه پنجره و فریاد او را شنیدم. وقتی خودم را به اتاق او رساندم دیدم که دخترم نقش زمین شده و غرق خون است. گویا یک نفر از پنجره به سوی او تیراندازی کرده بود. روبه روی پنجره اتاق قربانی، خانه ای به چشم می خورد که پشت بام آن کاملاً مشرف به اتاق بود. وقتی متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند که گلوله از فاصله ۱۰ تا ۱۵ متری شلیک شده، مأموران مطمئن شدند که عامل تیراندازی از بالای پشت بام، مقتول را هدف گرفته است. بنابراین خود را به آنجا رساندند و در بررسی دقیق پشت بام، باره ایی که به راحتی قابل مشاهده نبودند، روبه رو شدند. بررسی ردپاهای نشان می داد که فرد تیرانداز مرد بوده و به این ترتیب نخستین سرخ در اختیار تیم تحقیق قرار گرفت. مأموران در ادامه به تحقیق از پدر مقتول پرداختند و متوجه شدند که دختر جوان، از مدت ها قبل خواستگار سمجی به نام فرشید داشته است. این مرد به رغم شنیدن جواب رد، حاضر نشده بود دست از سر مقتول و خانواده اش بردارد. وقتی مشخص شد که فرشید بارها و بارها دختر جوان را تهدید کرده بود، کارآگاهان که احتمال می دادند قاتل، کسی جز خواستگار سمج مقتول نیست، به محل جنایت بازگشتند و به بررسی رد پاهای به جامانده روی پشت بام همسایه پرداختند. با بسازی این ردپاها، مسیری که قاتل بعد از جنایت طی کرده بود مشخص شد. ردپاهای بازسازی شده نشان می داد که مرد تیرانداز بعد از قتل به قسمت انتهایی پشت بام که مشرف به یک زمین کشاورزی است رگخته و به پلیدن به داخل مزرعه پا به فرار گذاشته است. کارآگاهان در ادامه سراغ خواستگار مقتول رفتند و کشف های او را به آزمایشگاه جنایی فرستادند. در بررسی های میکروسکوپی اثری از خاک و گیاهان صحرایی که لابه لای شیارهای کف یکی از کفش ها وجود داشت، پیدا شد. این آثار در اختیار آزمایشگاه شیمی قرار گرفت تا نمونه خاک که مزرعه نزدیک به محل جنایت جمع آوری شده بود، مطابقت داده شود. مدتی بعد نتایج این بررسی ها را جنایت را فاش کرد. متخصصان آزمایشگاه جنایی اعلام کردند آثار خاک و گیاهانی که از کف کفش خواستگار سمج به دست آمده از نوع خاک و گیاهان مزرعه ای است که قاتل از آنجا عبور کرده و این یعنی، ردپاهای به دست آمده در نزدیکی محل جنایت متعلق به فرشید بوده است. به این ترتیب فرشید بازداشت شد و در دور تازه تحقیقات به قتل دختر جوان اعتراف کرد و گفت: مدت ها بود که به مقتول علاقه مند بودم. آرزویم ازدواج با او بود و فکر می کردم در کنار وی خوشبخت می شوم اما وقتی از او جواب رد شنیدم، همه روپاهایم نقش بر آب شد. وقتی دیدم به التماس هایم اعتنا نمی کند، نقشه قتل او را کشیدم و آن شب، زمانی که او در داخل اتاقش بود، از بالای پشت بام خانه همسایه او را با اسلحه شکاری هدف گرفتم.

### انتقام از دوقلوها

یکی از هولناک ترین انتقام گیری های عاشقانه سال گذشته در جیرفت به وقوع پیوست و در جریان آن جوانی بعد از شکست عشقی، دختر موردعلاقه خود و خواهر او را به قتل رساند. دو خواهر دوقلو به نام های فرانزه و فرشته از خانه شان در روستایی حوالی جیرفت خارج شدند تا به مدرسه بروند. آنها در حاشیه جاده روستایی در حرکت بودند که ناگهان تصادفی مهیب رخ داد و راننده به سرعت رگ ریخت. دقیقی بعد امدادگران اورژانس و مأموران پلیس در محل حاضر شدند. ابتدا ۲ دختر به بیمارستان انتقال یافتند و معلوم شد هر دو به علت شدت تصادف به کما رفته و دچار مرگ مغزی شده اند. از سوی دیگر مأموران پلیس با بررسی صحنه حادثه متوجه شدند خودروی وانت که در لاین مخالف در حرکت بوده به عمد به سمت دو خواهر تغییر مسیر داده و آنها را زیر گرفته است. شواهد موجود در عمدی بودن سانحه تردیدی باقی نمی گذاشت. شاهدانی که صحنه تصادف را دیده بودند، گفتند شماره پلاک وانت را یادداشت کرده اند، به این ترتیب نخستین سرخ به دست آمد. از سویی اعضای خانواده دوقلوها توضیح دادند فرشته خواستگاری داشت که با جواب منفی مواجه شده و بعد از آن مزاحمت هایی ایجاد کرده بود. مأموران با ردپایی خودروی وانت مالک آن را شناسایی کردند اما این مرد گفت خودروی روز حادثه در اختیار برادرش بوده که در روستایی دیگر سکونت دارد. برادر این فرد همان خواستگار فرشته بود و مأموران توانستند وی را که فراری شده بود، بازداشت کنند. او نیز شکست عشقی را انگیزه اش از ارتکاب این جنایت اعلام کرد.

### انتقام گیری آتشین



چندی قبل ساکنان منطقه ای در جنوب تهران با دیدن شعله های آتش که از خانه یکی از همسایه ها زبانه می کشید، ماجرا را به پلیس و آتش نشانی اطلاع دادند. با حضور آتش نشانیان در محل، عملیات اطفای حریق شروع شد و در نهایت به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می داد ساکنان این خانه عروس و دامادی جوان هستند که نخستین شب زندگی مشترکشان را می گذرانند و این آتش سوزی عمدی است. با آغاز تحقیقات، تازه عروس به مأموران گفت: از مدت ها قبل خواستگاری داشتم که اصرار زیادی برای ازدواج با من داشت، اما به خاطر اینکه علاقه ای به او نداشتم، جواب رد دادم. مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه قرار شد با پسر موردعلاقه ام ازدواج کنم اما خواستگار قدیمی مدام تهدید می کرد که هر طوری شده اجازه نمی دهد عروسی من سر بگیرد. وقتی تحقیقات ادامه پیدا کرد مأموران پلیس موفق شدند خواستگار قدیمی دختر جوان را شناسایی و دستگیر کنند. او در بازجویی به آتش سوزی عمدی خانه عروس و داماد اعتراف کرد و گفت به خاطر جواب منفی که از دختر جوان شنیده بود دست به انتقامجویی زده است. او ادامه داد: من که ضربه روحی بسیار شدیدی خورده بودم، تصمیم گرفتم هر طوری شده از او و شوهرش انتقام بگیرم. برای همین وقتی فهمیدم آنها با یکدیگر ازدواج کرده اند نقشه آتش زدن خانه شان به ذهنم رسید.

### انتقام اسپیدی

یکی دیگر از انتقام جویی ها چندی قبل با اسیدپاشی اتفاق افتاد. پسر جوان برای بار چندم به خواستگاری دختر موردعلاقه اش رفته بود، اما وقتی جواب منفی شنید ناگهان در مراسم خواستگاری به روی دختر جوان اسید پاشید و از آنجا فرار کرد. پدر و مادر دختر جوان در تحقیقات مقداتی به پلیس گفتند: مدت ها بود که این جوان خواستگار دخترمان بود. ما چند سال قبل با این مرد و خانواده اش همسایه بودیم و از همان زمان آنها را می شناختمیم. از آنجا که سن رامین خیلی بیشتر از دخترمان بود و مأموران پلیس نداشت، نه ما و نه دخترمان حاضر به این وصلت نبودیم. حتی چندین بار پیام فرستادیم حتی بعد از ازدواج مخالفیم اما رامین پایش را توی یک کفش کرده بود که خودش باید از زبان ما و دخترمان جواب را بشنود. برای همین قرار خواستگاری گذاشت و چند ساعت قبل همراه خواهرش به خانه ما آمد. بعد از پذیرایی از آنها وقتی هم ما و هم دخترمان به او جواب رد دادیم، ناگهان رامین از جایش بلند شد و یک بطری از داخل جیبش بیرون آورد و در یک چشم بر هم زدن، محتویات آن تیمی از مأموران پلیس تحقیقات برای شناسایی و دستگیری جوان اسیدپاش را آغاز کردند اما او بدون اینکه سرنخی از خودش برجا بگذارد، ناپدید شده بود در نهایت مدتی بعد توسط پلیس دستگیر شد و در اعترافش گفت: من از حدود شش ماه پیش به این دختر علاقه مند شدم و حتی برای ازدواج با او اعتیادم را ترک کردم اما وقتی جواب رد شنیدم، عصبانی شدم و دست به این کار احمقانه زدم.

